

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۲۵ می ۲۰۲۲



یونس نگاه

برای چه برزمیم؟ (د) برای عدالت برزمیم!



در نیمه اول قرن چهاردهم هجری خورشیدی افغانستان شاهد تلاش‌های ماندگار برای تأمین رفاه و آسایش بود. سیاستمداران و روشن‌فکران مبارز در آن سال‌ها آرزوهای بزرگ داشتند و می‌خواستند فرزندان‌شان در پایان قرن، بسیار شادتر و سیرتر زندگی کنند؛ اما در ماه‌های پایانی قرن چهاردهم هجری شمسی، افغانستان در دسته‌بندی‌های جهانی رفاه، صلح، شادی، شفافیت و آزادی در قعر جدول‌ها بود. جهان، کشور ما را با صفات «جنگ‌زده»، «بیش‌ازحد فقیر» و «عقب‌افتاده» می‌شناخت. کمک‌های میلیاردی جامعه جهانی به آدرس ملت افغانستان ارسال می‌شد، آب شیرین و خاک زراعتی فراوان بود، کوه‌ها و دشت‌ها پر از ذخایر طبیعی بود و نیروی انسانی این سرزمین نیز یکی از جوان‌ترین‌ها بود؛ اما گرسنگی، عقب‌ماندگی

و محرومیت از خدمات رفاهی در کابل، پایتخت، بیداد می‌کرد. بیرون از کابل، به‌خصوص ولسوالی‌ها و روستاهای دورافتاده، جز موترهائی که بار و مسافر می‌کشیدند، تلفون‌های موبایل و برخی ابزار و نشانه‌های محدود دیگر که حکایت می‌کرد این مردم در عصر دیجیتال و جهانی شدن زندگی می‌کنند، دیگر به هر کس و هر چیزی نگاه می‌کردی، به یاد قرون وسطا و زمانه‌هایی می‌افتادی که صنعت و دولت‌های مدرن به وجود نیامده بود. حکومت افغانستان و نهادهای کمکرسان بر سر تعداد افراد زیر خط فقر توافق نداشتند؛ ولی هر دو تأیید می‌کردند که این رقم بیش از ۵۰ درصد است. برخی منابع آن را تا ۶۰ درصد و بیشتر نیز گزارش داده بودند.

در شرایطی که بیش از نصف ساکنان کشور قادر به تأمین نان خشک و چای شیرین کافی نبودند، در یکی از همان ماه‌های پایانی قرن چهاردهم هجری شمسی خبری نشر شد که نشان می‌داد اداره امور دولت افغانستان برای کارمندان و

مهمانانش ۱۸ نوع گوشت را به بخش تدارکات فرمایش داده است. در آن فهرست طولانی، گوشت پرندگان کمپایی چون بونده و کبک نیز شامل بود. ارزش تنها گوشت‌های فرمایش داده شده برای آن اداره در یک سال، حدود نیم میلیون دالر گفته شده بود. کاپی پیشنهاد این قرارداد را خان‌آغا رضائی، عضو پارلمان پیشین، در صفحه توییت خود نشر کرده بود {۱}.

پارلمانی‌ها نیز در همان کشتی چرب و پر از گوشت سوار بودند. آنان معاش هنگفت می‌گرفتند و خرج دسترخوان، محافظان، موترهای تعقیبی (برای هیأت اداری) و قراردادهای تجاری‌شان که به نام خود و نزدیکان خود از ادارات دولتی می‌قاپیدند، زبان‌زد خاص و عام بود. فاصله طبقاتی میان رهبران، سیاست‌مداران و اقلیت کوچکی از تاجران، قراردادی‌ها و مأموران بلندپایه دولتی از یک سو و اکثریت مردم بی‌بضاعت افغانستان از سوی دیگر چنان عمیق بود که ده‌ها گروه تروریستی، باندهای آدم‌ربائی و قاچاق مواد مخدر در آن خلأ با خاطر جمع مشغول هراس‌افگنی، کشتار و تخریب بودند. چند ماه بعد در اثر تبنائی امریکا، حمایت کشورهای همسایه، ناتوانی دولت در دفاع نظامی و بی‌علاقگی مردم به همراهی آنانی که از بودجه غذای سربازان، مکتب کودکان و فرصت‌های شغلی کارگران قصر ساخته بودند و گوشت‌های کمپاب می‌خوردند، گروه طالبان بدون مواجه شدن با مقاومت جدی تمام افغانستان را اشغال کرد.

طالبان وقتی برگشتند، جامعه را از حداقل‌ها نیز محروم کردند. مردم در سیطره طالبان چنان گرسنه شده‌اند که برخی افراد به فروش اعضای بدن و کودکان خود «پناه» برده‌اند. هزاران خانواده کشور را ترک گفته و در کمپ‌ها، حاشیه‌های شهرها و کارخانه‌های ایران و پاکستان آوارگی می‌کشند. صدها هزار نیروی متخصص، تحصیل‌کرده و صاحب شغل در سراسر جهان سرگردان شده‌اند.

طالبان از اولین روزهای برگشت به قدرت، پشت به مردم، دسترخوان غنیمت پهن کردند. در روزهایی که خیر فروش جگرگوشه‌های مردم شنیده می‌شد و خبرها حکایت از مرگ هزاران نفر، به‌خصوص کودکان، در اثر فقر و عدم دسترسی به نان و دارو نشر می‌شد، تصاویر رهبران طالب دور دسترخوان‌های بسیار رنگین دست‌به‌دست می‌شد. قومندان‌ها و منتقدان طالب مثل ملخ بر منابع باقی‌مانده از دولت غنی ریخته بودند و برای تقسیم چوکی‌ها و چشمه‌های عایداتی باهم درگیر می‌شدند. امروز طالبان بر منابع عایداتی رسمی و غیررسمی کشور چنبره زده و از سفره‌های تپی مردم نیز عشر و «حق» می‌گیرند و رهبران و قومندان‌های‌شان هر روز چاق‌تر و پول‌دارتر می‌شوند. این طرف، وطن برای اکثریت ساکنان به تنور سوزان فقر بدل گشته و نهادهای حقوق بشری بارها گزارش داده‌اند که تنگدستی و گرسنگی در افغانستان چنان عمیق و گسترده شده که در چند دهه اخیر در هیچ جای دیگر جهان دیده نشده است.

آگاهان اقتصادی نقش بی‌عدالتی و فاصله شدید طبقاتی را از علت‌های بنیادی جنگ و بی‌ثباتی می‌دانند. برای آن‌که کشور به رفاه و آرامش برسد، لازم است که عدالت را سرلوحه مبارزات خود قرار دهیم. شعار مبارزه برای عدالت را تقریباً تمام گروه‌های سیاسی سر می‌دهند و از گروه‌های بدنام و غارتگر نیز آن را می‌شنویم، اما این میدان شاهد مردان و زنان اهل عمل هم بوده است. از گذشته‌های دور مبارزات نظام‌مند و آگاهانه برای عدالت در سرزمین ما جریان داشته است. بسیار نام‌های درخشان در تاریخ معاصر کشور داریم که با قلم و قدم خود برای عدالت رزمیده‌اند. میرغلام محمد غبار، یکی از پیش‌تازان این عرصه بود. او در مبارزات پارلمانی، حزبی، روزنامه‌نگاری و تاریخ‌نگاری‌اش به‌شکل پایدار و خسته‌گی‌ناپذیر از عدالت دفاع کرد. این‌جا چکیده دیدگاه او را در مورد عدالت، با استناد به مقاله‌ای که در شانزدهم میزان ۱۳۲۵ در روزنامه «اصلاح» نوشته است، شریک می‌سازم.

زمانی که آقای غبار این مقاله‌اش را می‌نوشت، بورژوازی در افغانستان در حال جوانه زدن بود. سرمایه‌گذاران کوچک و متوسط ملی در رقابت با انحصارات داخلی‌دولتی و شرکت‌های خارجی پخته‌تر می‌شدند. دولت در همدستی با تعداد

معدود تاجران و سرمایه‌داران بزرگ مشغول سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف از جمله معادن، پروسس محصولات زراعتی، مالداري و نساجی بود. همدستی دولت، سرمایه‌گذاران و تاجران کلان باعث انحراف مسیر توسعه گردیده بود. جمعی از روشن‌فکران و سیاست‌مداران نسبت به عواقب آن انحراف هشدار می‌دادند و علیه آن موضع می‌گرفتند. غلام‌محمد غبار در آن مقاله مفصلش سیاست غیر عادلانه اقتصادی دولت را افشاء کرده و از پامال شدن تشبثات کوچک و متوسط، افزایش فاصله طبقاتی که منجر به تشدید فقر عامه مردم و انباشت بی‌رویه سرمایه در دست افراد معدود حکومتی و همدستان‌شان می‌گردید، هشدار داده بود. او برای شرح وضعیت مردم نوشته بود که عامه ملت در شهرها، دهات، دشت‌ها و دره‌ها خوراکی غیر از «گندم و احياناً بوره و چای، و پوشاکی بدون سان کوره و سفید ندارند» اما در سوی دیگر «سوداگرها و کمپنی‌هایی» هستند که از طریق صادرات و واردات هر سال سرمایه خود را چندبرابر می‌کنند. غبار و روشن‌فکرانی چون او می‌دانستند که آن وضعیت مانع رشد متوازن اقتصاد شده و آتش جنگ و انقلاب را شعله‌ور می‌سازد. از این رو، تلاش داشتند با اعتراض و آگاهی‌دهی، مانع بربادی کشور گردند.

مقاله آقای غبار با واکنش هیأت حاکمه روبه‌رو شد. او را به شورای وزیران احضار کرده بازپرسی و تهدید کردند {۲}. اما غبار که منافع عمومی ملت را بر امتیازات و مصونیت شخصی ترجیح می‌داد، به روشنگری خود ادامه داد و تسلیم تهدیدها نشد، چنان‌که بارها با محدودیت‌های شغلی مواجه گردید، به زندان افتاد و تبعید گردید.

غبار در مقاله‌اش نوشته است که سوداگرها با اتکا بر دوستی و اتحاد حاکمان، در مدت کوتاه سرمایه چند هزاری خود را به میلیون می‌رساندند. این خیانت‌ها در حکومت‌های ۲۰ سال اخیر نیز جریان داشت. قراردادهای انحصار می‌شد، زمین‌های دولتی به زورمندان رایگان و یا با قیمت بسیار نازل توزیع می‌گردید {۳}، ملکیت مردم عام مثل شیرپور غصب می‌شد {۴}، بنادر در انحصار تعداد معدودی از رهبران و قومندانان بود، چوکی‌های اداری و امنیتی فروخته می‌شد و چشمه‌های عایداتی از سوی حلقه‌های نزدیک به هیأت حاکمه، غارت می‌گردید. بدین‌گونه هر روز دره فاصله بین مردم گرسنه و هیأت حاکمه بیشتر دهان می‌گشود. غبار نوشته است که «سوداگرها» و مقام‌های دولتی فرزندان خود را به خارج کشور اعزام می‌کنند تا آنجا تحصیل کرده برگردند و جای پدرانشان را در غارت پر کنند. در عصر ما نیز همین روند جریان دارد. حکومت‌های ۲۰ سال گذشته در سیستم میراث‌خواری سیاسی‌اش شهره بود. طالبان نیز به همان روش رو آورده‌اند. فرزندان مقام‌های طالبان در کشورهای خارج مشغول تحصیل‌اند، برادران و بستگان‌شان در کار تجارت و سرمایه‌گذاری هستند، چوکی‌ها و منابع دولتی را نیز به نزدیکان خود توزیع کرده‌اند. خانواده حقانی (خلیل‌الرحمان حقانی، ابراهیم حقانی، سراج‌الدین حقانی، انس حقانی و تعدادی از فرزندان و نزدیکان اینان) که در اداره طالبان صلاحیت و نفوذ گسترده دارد، نمونه‌ای از انحصار است. به‌تازگی خبری در ۸ صبح نشر شده است که نشان می‌دهد طالبان بورسیه‌های تحصیلی چین را تنها به بستگان خود اختصاص داده‌اند. نشانه‌های بسیاری وجود دارد که رهبران و قومندانان طالبان از شعارهای مذهبی و دینی استفاده ابزاری می‌کنند تا قدرت و ثروت بیشتر به‌دست آورند. غلام‌محمد غبار در مقاله‌اش نوشته است که اقلیت برخوردار و انحصارگر می‌کوشند با میراثی و انحصاری کردن قدرت و ثروت، «با زور و زر، طبقه مخصوص تشکیل» دهند.

عدالت ضامن صلح و ثبات است

بی‌ثباتی و گسست تلاش‌ها در عرصه توسعه و انکشاف، مشخصه اصلی تاریخ معاصر افغانستان است. در شکل‌گیری این وضعیت، عوامل بسیار داخلی و خارجی نقش دارد، اما ناتوانی آنانی که در جایگاه رهبری و هدایت توسعه قرار می‌گیرند، در تأمین عدالت، انکشاف متوازن و جلوگیری از غارت منابع و ثروت عامه، یک علت اساسی است. در

نظامی که بر اصول غیر عادلانه استوار باشد، به گفته غبار «تجار [و سرمایه‌گذاران] کوچک و طبقه متوسطه که حلقه وصل بین عامه و طبقه عالیه کشور است، به تدریج [از بین می‌روند] و خلیج جدائی بین دو طبقه توانگر و ناتوان روز به روز وسیع‌تر می‌گردد. فقر، مرض و فساد اخلاقی به سرعت شیوع می‌یابد و تمام تحمیلات اقتصادی بر شانه توده افتاده‌تر می‌گردد. این است که ضجه و صدای شکایت و نفرت عام‌تر می‌شود».

نفرت و فریاد اکثریت محروم، نخست نادیده گرفته می‌شود، بعد با خشم و سرکوب پاسخ داده می‌شود و عاقبت به خاطر شورش‌ها و انقلاب‌هایی که ریشه در نارضایتی مردم دارد، رشته‌های صنعت، تجارت و آبادی پنبه می‌شود. نخبگان افغانستان، به‌خصوص آنانی که در دست‌رخوان سیاست و اقتصاد دو دهه اخیر شریک بودند، هنوز از شوک دود شدن یکباره آن‌چه را قاعده و نظام حافظ منافع خود تصور می‌کردند، بیرون نشده‌اند. تاریخ افغانستان و جوامع دیگر نشان داده است نظام و قاعده‌ای که بر عدالت استوار نباشد، برای مدت طولانی از سوی مردم حمایت نمی‌شود و در خلأ پشتی‌بانی مردم، دیر یا زود فرو می‌ریزد.

امروز سیاست‌پیشگان برای کشور نسخه‌های گوناگون نجات می‌پیچند. در این نسخه‌ها از عدالت اقتصادی کمتر سخن گفته می‌شود. نسل تحصیل‌یافته و آگاه امروز باید از سایه تبلیغات زورمندان و انحصارگران بیرون شود و به راه‌های حل بنیادی توسل جوید. مبارزه برای جامعه‌ای که در آن منابع و فرصت‌های اقتصادی عادلانه توزیع شود، می‌تواند ما را بدون تفکیک سمت، مذهب، دین، زبان و نژاد دور هم جمع کند و جامعه را در مسیر توسعه عادلانه و پایدار به ثبات برساند.

عدالت، آرمان بشری است

مبارزه برای عدالت، چشم‌اندازی را در برابر ما می‌گشاید که شایسته انسان‌های رهیده از بندهای بربریت است. عدالت‌طلبی نه تنها ما ساکنان افغانستان را با تمام رنگ‌ها و تنوع فرهنگی به هم پیوند می‌دهد، بلکه کمک می‌کند تا قفس مرزهای سیاسی و تعصبات قومی، سمتی و زبانی را بشکنیم و به دردهای مشترکی که با مردم منطقه و جهان داریم، بپردازیم. دریابیم که جهان ما گرفتار بی‌عدالتی‌ها و درزهای بی‌شمار شده است. تنها این نیست که دست‌رخوان برخی مقام‌های طالب بیش از معاش یک‌ساله یک جنگ‌جوی آن گروه است، یا عاید یک‌ساله سرباز اردوی سابق کمتر از قیمت نکتائی یک سیاست‌مدار، مصارف محفل ختنه‌سوری نواسه یک قومندان، یا تیل یک‌روزه موثرهای تعقیبی یک وکیل بود، بلکه فاصله میان کارگران افغانستان، هند، چین، جاپان و امریکا نیز بسیار عمیق شده است. کارگر ماهر در اروپا ماهانه تا ۳۰۰۰ یورو درآمد دارد، اما در افغانستان به دست آوردن ۳۰۰ یورو برای استادکار آسان نیست. عاید سرانه برخی کشورهای عربی به بیش از ۱۰۰ هزار دالر می‌رسد، اما عاید سرانه تعدادی از کشورهای دیگر کمتر از ۱۰۰۰ دالر است. در درون جوامع پیش‌رفته نیز فاصله‌های طبقاتی بیداد می‌کند. در کمتر از سه دهه، از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۵، «خانواده‌هایی که جزو یک درصد جمعیت ثروتمند امریکا هستند، تقریباً سهم خود را از مالیات بر درآمد دوبرابر کردند» {۵}. در واقع فاصله طبقاتی این اقلیت با باقی امریکائی‌ها دو برابر شده بود. توماس پیکتی، اقتصاددان فرانسه‌ئی، در کتاب «سرمایه در قرن بیست‌ویکم» در سال ۲۰۱۴ نوشته بود که ۴,۵ میلیون نفر (کمتر از نفوس شهر کابل) مالک ۲۰ درصد ثروت جهان‌اند {۶}.

افزایش نابرابری اکنون تنها نگرانی مبارزان چپ، کارگران و محرومان نیست، بلکه به نگرانی «همه‌شمول» بدل شده است. انتونیو گوتریش، دبیرکل سازمان ملل، در ماه جولای ۲۰۲۰ هشدار داد که نابرابری اقتصادها، جوامع انسانی را در سراسر جهان با خطر ویرانی مواجه کرده است {۷}. او در سخنرانی دیگر در اوایل سال جاری میلادی، نابرابری

را در کنار بیماری کرونا، بحران محیط زیست، جرایم سایبری و تهدیدها علیه صلح جهانی، دشواری های اصلی بشریت خواند.

دانشمندان محیط زیست، فعالان صلح و محققان بخش صحت افزایش نابرابری را مشکل بنیادی می‌دانند که بدون رسیدگی به آن انسان‌ها قادر به مهار جنگ، امراض، گرمایش زمین و فقر نخواهند شد. مبارزه با بی‌عدالتی، مأموریت انسانی است. ما باید برای نجات وطن و جهان خود، در این مأموریت بزرگ سهم بگیریم.

پاورقی‌ها

{1} بی‌بی‌سی، بلدرچین و کبک در 'سبد خرید' ۱۸ نوع گوشت ارگ ریاست جمهوری افغانستان. ۷ دلو ۱۳۹۹، ۲۶

جنوری ۲۰۲۱

{2} جلد دوم تاریخ غبار، ص ۲۷۷، نسخه دیجیتال، انتشارات محسن

{3} براساس گزارشی که به‌تاریخ ۵ ثور ۱۳۹۶ در آژانس خبری پژواک نشر شده است، حکومت اشرف‌غنی، در ۱۴ سرطان سال قبل زیر عنوان حمایت از سرمایه‌گذاری و تشویق سکتور خصوصی کشور، قرارداد سرمایه‌گذاری روی ۱۴۳ جریب زمین ملکیت اداره مستقل هوانوردی ملکی را جهت تأسیس شش فابریکه صنعتی، با شرکت الکوزی گروپ امضاء کرد. بر اساس آن گزارش زمین یاد شده به هر جریب به قیمت ۵ هزار دالر به شرکت الکوزی داده شده بود، درحالی که قیمت بازار آن فی جریب ۴۰۰ هزار دالر امریکائی بود. در زمان کرزی نیز نزدیکان رئیس جمهور، معاونان او و تعدادی از قومندان‌ها و زورمندان زمین‌های دولتی را به‌بهانه‌های گوناگون تصاحب کرده شهرک ساختند و به مردم فروختند. در گزارش دیگری که سه شنبه، اول دلو ۱۳۹۸ در وبسایت اندیپندنت فارسی، به قلم فریدون آژند نشر شده بود، آمده است که حدود ۱.۶ میلیون جریب زمین دولتی از سوی زورمندان و حتی مردم عادی غصب شده است. در آن گزارش آمده است که "به تاریخ ۲۷ جدی سال ۱۳۹۱ روزنامه هشت صبح، گزارش تحقیقی را به نشر سپرد که بر اساس آن، در حدود ۲ میلیون جریب زمین دولتی در افغانستان غصب شده بود." طبق گزارشی که به‌تاریخ ۲۷ می ۲۰۰۸ در وبسایت بی‌بی‌سی نشر شده بود، یوسف پشتون وزیر شهرسازی حکومت کرزی در یک جلسه خبری گفته بود: "سالانه حدود چهارصد هزار تا پنجصد هزار جریب زمین را از دست می‌دهیم که حد متوسط آن روزانه از یک هزار تا یک و نیم هزار جریب می‌شود".

{4} شیرپور منطقه‌ای در مجاورت ساحه اعیان‌نشین وزیراکبرخان است که در سال ۱۳۸۲ ساکنان اصلی آن به‌زور پولیس رانده شدند و زمین کلبه‌های آنان به وزیران، قومندانان و وکیلان توزیع شد. در آن سال علی‌احمد جلالی وزیر داخله بود و بصیراحمد سالنگی قومندان امنیه شهر کابل. به‌تاریخ ۱۳ سنبله آن سال، نیروهای پولیس به منطقه شیرپور ریختند و باشندگان آن را به‌زور از خانه‌هایشان رانند. این اقدام واکنش بسیاری برانگیخت و شیرپور را مردم به‌اعتراض شیرچور نام گذاشتند. شیرپور که در قرن نوزدهم زندان مبارزان ضد انگلیس بود و برخی‌ها به‌این باورند که آن منطقه به دلیل پُر بودن زندان‌ها از شیران {مبارزان} شیرپُر خوانده شده و بعدها میرزا نویسان آن را شیرپور نوشته‌اند. در چور شیرپور به نقل از یک پست فیسبوکی امرالله صالح، جز چند نفر محدود، همه کلان‌های سیاسی و زورمندان سهم داشتند. صالح که در آن زمان رئیس عمومی امنیت ملی بود، در ماه حوت ۱۳۹۶ نوشته بود که غیر از دکتر عبدالله، سپینتا و خود صالح، تمام وزیران و رئیس‌ان ادارات {عمده} و تمام والیان بانفوذ در شیرپور زمین دریافت کرده بودند.

{5} آینده علوم سیاسی، گری کینگ و دیگران، ترجمه محسن عسکری جهقی، ص ۲۲۱

{6} توماس پیکتی، سرمایه در سده بیستویکم، ص ۶۲۷، ترجمه ناصر زرافشان
{7} این پاورقی در کمنت گذاشته شده است.

بخش‌های دیگر این متن را با عنوان‌های زیر در همین صفحه بخوانید:

برای چه برزمیم؟

الف) برای آزادی برزمیم

ب) برای استقلال برزمیم

ج) برای دموکراسی و سکولاریزم برزمیم

نکته پایانی